

سبک فرزندپروری حضرت زهرا علیها السلام

مناره نبی^۱، فاطمه وحیدی^۲

چکیده

یکی از مهمترین شیوه‌های تعلیم و تربیت، روش الگوگیری است. اسلام هم برای تربیت و تعالی انسان‌ها بر این اصل مهم تأکید کرده است؛ زیرا شخصیت الگو به عنوان نقطه کانونی در محور رشد و هدایت‌های اخلاقی-تربیتی قرار می‌گیرد و در شکل‌گیری رفتار تربیت‌شونده آثار زیادی برجا می‌گذارد. یکی از تعلیمات تربیتی در نظام دینی که نمودی خاص در برنامه‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام دارد شیوه‌های برخورد با کودکان است. فرهنگ اسلام، دوان کودکی را مهمترین و زیربنایی‌ترین دوره‌های آموزش و شکل‌گیری شخصیت برای انسان می‌داند و نقشه‌های آموزشی و تربیتی را از نظر ثبات ماندگاری و تأثیر، مانند حکاک بر سنگ می‌داند. یکی از حساسیت‌های کودکان، جانب‌داری و توجه خاص پدر و مادر به کودکان دیگر است. به همین دلیل در روایات، بر رعایت عدالت و مساوات بین فرزندان و محبت‌کردن، هدیه‌دادن و توجه‌کردن به‌ویژه توجه به حساسیت بیشتر دختران در این مورد تأکید شده است. مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای، سبک فرزندپروری حضرت زهرا علیها السلام را بررسی می‌کند. توجه به امور معنوی، نام‌گذاری شایسته، پرورش حس خداپرستی در کودکان، بوسیدن و ملاطفت با آنها، رعایت عدالت، اظهار علاقه، بازی، عقیقه، صدقه‌دادن برای آنها، آموزش مسائل عبادی و توجه به تغذیه از جمله این موارد است.

واژگان کلیدی: فرزندپروری، تربیت، سبک حضرت زهرا علیها السلام.

^۱ دانش‌پژوه کارشناسی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، گرجستان.

^۲ مدرس گروه علمی-تربیتی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، ایران.

۱. مقدمه

یکی از مسائل مهم در تربیت فرزند، توجه کردن به زندگی اهل بیت علیهم‌السلام و پیاده کردن سیره و سبک زندگی آنها در تربیت است. پدر و مادر، الگویی برای فرزندان هستند. بنابراین، مادر می‌تواند مانند حضرت زهرا علیها‌السلام، امام حسن و حسین علیهما‌السلام، حضرت زینب علیها‌السلام و ام کلثوم علیها‌السلام را تحویل جامعه دهد. حضرت زهرا علیها‌السلام در تربیت فرزندان برای تمام مادران الگو و نمونه است. اگر زنان به زندگی معصومین علیهم‌السلام نظر کنند، می‌بینند که چه فرزندانی تربیت کرده‌اند و شجاعت و غیرت و حیا و عفت را به آنها منتقل می‌کنند. جای تأسف دارد که برخی زنان بجای الگوگیری از زندگی معصومین علیهم‌السلام، زندگی رقاصه‌ها و خواننده‌ها را برای خود و فرزندان خود الگو قرار می‌دهند و به همین دلیل فرزندانی که تربیت می‌کنند جامعه را آلوده می‌کنند و نه فقط غیرت، وجدان، ناموس، درآنان نیست بلکه تلاش می‌کنند فرزندان دیگر را هم به طرف فساد بکشاند. اگر زنان به زندگی نامه حضرت زهرا علیها‌السلام توجه کنند، می‌بینند که در تاریخ زندگی آن حضرت، شجاعت، سخاوت، حیا و عفت موج می‌زده است؛ زیرا حضرت زهرا علیها‌السلام در عالم نبوت و رسالت بزرگ شده بود. در نتیجه قبل از تعلیم و تربیت فرزند سالم، بودن خانواده شرط اساسی در صالح شدن فرزند است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «بهشت زیر پای مادران است» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵/۱۸۰). بنابراین، خداوند متعال زنان را ارزشمند می‌داند درحالی‌که بعضی زنان ارزش خود را نمی‌دانند. حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در جمله‌ای حکمت‌آمیز می‌فرماید: «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود». این بدان معناست که زن در تکامل شخصیت افراد اجتماع بسیار مؤثر است تا جایی که می‌تواند همسر یا فرزند خود را به بالاترین درجات معنویت برساند. مقاله حاضر مسئولیت مادران را با توجه به سبک فرزندپروری حضرت زهرا علیها‌السلام بررسی می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تربیت

تربیت از ریشه ربو به معنای رشد و نمو و افزودن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه ربو؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ذیل واژه ربو؛ قرشی، ۱۳۷۱، ذیل واژه ربو) همچنین به معنی پروردن، پروراندن، اخلاق و

آداب را به کسی آموختن آمده است (عمید، ۱۳۸۲، ص ۶۶). برخی آن را از ریشه رب می دانند و در برخی موارد آن را یکی از اسامی خداوند و همچنین به معنای مالک شیء می دانند. «الرَّبُّ: يَطْلُقُ عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُعَرَّفًا بِالْأَلْفِ وَاللَّامِ وَمُضَافًا وَيَطْلُقُ عَلَى مَالِكِ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يَعْقِلُ مُضَافًا إِلَيْهِ فَيَقَالُ: (رَبُّ الدِّينِ) وَ (رَبُّ الْمَالِ)؛ رب بر خداوند تبارک و تعالی اطلاق می شود درحالی که معرفه و مضاف است و به معنای مالک چیزی است وقتی که به شیء فاقد عقل اضافه می شود» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ذیل واژه رب؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه رب). برخی معتقدند تربیت از ریشه رب است و آن را چنین معنا کرده اند: «التربية و هو إنشاء الشيء حالا فحالا إلى حد التمام؛ تربیت به معنی پرورش است؛ یعنی ایجادکردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تمام و کمال آن برسد» (راغب، ۱۴۱۲، ذیل واژه رب). وجه جمع بین این دو معنا کلام مصطفوی در کتاب /التحقیق است: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ سَوْقُ شَيْءٍ إِلَى جِهَةِ الْكَمَالِ؛ اصل در این ماده، حرکت دادن شیء به سمت کمال و رفع نقایص با خالی کردن و یا زینت کردن است» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ذیل واژه رب)، خواه از ذاتیات باشد یا عرضیات و یا اعتقادات و علوم و صفات و اخلاق و اعمال و آداب و علوم رایج در انسان باشد یا حیوان و یا گیاه در هر کدام به تناسب خودش و به تناسب آنچه که اقتضای ترفیع و تکمیل جایگاهش است.

واژه تربیت در اصطلاح، تعاریف متعدد و مختلفی دارد. شهید مطهری می فرماید: «تربیت یعنی، پرورش دادن استعدادهای واقعی انسان». (مطهری، بی تا، ۵۵۲/۲۲) در جای دیگر آمده است: «تربیت به معنای فعلیت یافتن یا ایجادکردن هر نوع کمالی در انسان است که دارای مطلوبیت باشد» (ابراهیم زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۹). تربیت به معنای انتقال اطلاعات، تجارب، معلومات، مهارت ها و باورهای فرهنگی به نسل های دیگر است (شعاری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۷۷ و ۷۸). جان دیویی می گوید: «تربیت فرایندی است بین مربی و متربی برای بازسازی تجربه برای رشد دموکراسی مبتنی بر رغبت های دورنی دانش آموز» (کاردان و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱). در تعریفی دیگر آمده است: «تربیت، هرگونه فعالیتی است که معلمان، والدین یا هر شخص دیگری برای اثرگذاری بر شناخت،

نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد براساس اهداف ازپیش تعیین شده انجام می‌دهد» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۳/۱). با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی این واژه در تعریف جامع تربیت می‌توان گفت: «تربیت یعنی، پرورش دادن استعدادهای واقعی انسان» (مطهری، بی‌تا، ۵۵۲/۲۲). با این تعریف هرگونه رفتاری که بر افراد اثرگذار باشد و با هدف اثرگذاری صورت بگیرد به نوعی تربیت نامیده می‌شود. با در نظر گرفتن این موارد، دایره تربیت بسیار وسیع و حساس می‌شود و از طرفی اهمیت آن نیز چندین برابر خواهد بود. روش تربیتی به معنای فنون و شیوه‌هایی است که اهداف تربیت را به ثمر می‌رساند. روش‌های تربیتی فرزندپروری، فنونی برای پرورش و استحکام بخشی شخصیت کودک است و در هر رویکرد به واسطه اصول و مبانی متفاوت، اهداف، مراحل و فنون خاص خود را دارد (زارعی و کاردوانی، ۱۳۹۲، ص ۶۱).

۲-۲. سبک زندگی

سبک در زبان فارسی به معنای طرز، روش و شیوه است. (معین، ۱۳۷۹، ذیل واژه سبک) با توجه به این معنا می‌توان گفت معادل واژه سبک در عربی، سیره است. سیره در لغت به معنی سنت، روش و هیأت (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه سیر)، مذهب، روش و کردار (بستانی، ۱۳۷۵، ذیل واژه سیر) و خلق و خو و عادت آمده است (دهخدا، ۱۳۴۱، ذیل واژه سیرت). سیره در اصطلاح، سبک، اسلوب و متد خاصی است که افراد صاحب اسلوب و سبک و منطق در سیر خودشان به کار می‌برند (مطهری، بی‌تا، ۵۹/۱۶). سیر یعنی، رفتن و رفتار، ولی سیره یعنی، نوع و سبک رفتار (مطهری، بی‌تا، ۵۰/۱۶). بنابراین آنچه در معنای لغوی و اصطلاحی سیره آمده است، می‌توان گفت که سبک و سیره به معنای روش و نوع رفتار است که به صورت اصول کلی بر زندگی افراد حاکم است.

۳. تأثیر شخصیت معنوی مادر بر فرزند

ویژگی و صفات مادر در شخصیت فرزند اثرگذار است. سرشت پاک مادر زمینه الهی شدن فرزند و هدایت او را فراهم می‌کند. شایستگی‌های روحی حضرت زهرا (علیها السلام) عامل مهمی در پرورش روحیه تعبد و خداپرستی کودکانش بود چنان‌که در زیارت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) آمده است: «اشهد انک نورافی

الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره لم تنجسك الجاهليه بانجاسها؛ شهادت می‌دهم که نوری بودی در صلب مردان بزرگ و در رحم زنانی پاک که هرگز آلوده به ناپاکی‌های جاهلیت نگردید» (طوسی، ۱۴۰۷، ۵۹/۶). هر مادری که خواهان داشتن فرزندان بالیمان و خداشناس است باید با تقویت ایمان و تقوای خود، زمینه‌ساز پرورش فرزندان پاک و صالح شود.

۴. ابعاد سبک زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) در فرزندپروری

۱-۴. مراقبت از فرزندان

مادر، مسئول مراقبت، حفاظت و نگهداری از فرزندان خود است. سیره حضرت زهرا (علیها السلام) بیانگر اهمیت مراقبت فرزندان از سوی پدر یا مادر است.

۱-۱-۴. اهمیت مراقبت از سوی والدین

ایجاد فاصله و جدایی جسمی، عاطفی و تربیتی بین مادر و فرزندان یکی از پیامدهای زیرسؤال بردن ارزش و قداست خانه و خانواده و خالی کردن محیط خانه از حضور مؤثر و مفید مادران است. در نظام خانوادگی مورد پیشنهاد اسلام و خانه‌ای که حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان یک الگوی الهی تربیت کرده است، ارتباط عاطفی عمیق و همه‌جانبه بین اعضای خانواده وجود دارد و پدر و مادر از نظر جسمی، عاطفی و تربیتی، مسئول سازندگی فرزندان خود هستند. درآغوش کشیدن فرزند، خندیدن مادر و فرزندان با یکدیگر، تماس بدنی مادر و نوزاد، یکی از زیباترین صحنه‌های تربیتی و از لازم‌ترین آنهاست.

۲-۱-۴. انواع مراقبت‌های مورد نیاز کودک

نوزاد و کودک و حتی نوجوان و جوان، نیاز به مراقبت دارد و برای رسیدن به رشد همه‌جانبه و تربیت کامل به انواعی از مراقبت‌ها نیازمند است. مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، مراقبت‌های تغذیه‌ای، مراقبت‌های امنیتی از حوادث و یا دشمنان، مراقبت‌های اخلاقی و تربیتی، مراقبت‌های عاطفی و احساسی از انواع مراقبت‌های لازم برای فرزند است. یکی از مسئولیت‌های مهم مادر که دریایی از

عواطف و مهربانی است، اعمال و اجرای این‌گونه مراقبت‌ها در مورد فرزندش است. با توجه به شواهد تاریخی، انواع این مراقبت‌ها از ناحیه بهترین مادر تاریخ یعنی، حضرت زهرا علیها السلام در مورد برترین فرزندان اعمال می‌شده است.

اول) الگوبودن مادر

کسی که بخواهد فرد دیگری را تربیت کند باید در عمل، به آنچه می‌گوید پای بند باشد و بدین صورت در او اثر گذار شود. مادری که به تربیت فرزند خود علاقه‌مند است باید فضایل اخلاقی داشته باشد و سعی کند تا حد امکان رفتار صحیحی داشته باشد تا فرزندانش با آسودگی خاطر در عمل از او الگو گیرند. اکتفا کردن به نصیحت و اندرز نمی‌تواند زمینه‌ساز عملکرد درست و صحیح فرزندان شود. حضرت زهرا علیها السلام با عمل به آنچه می‌فرمود، فرزندانش را با اخلاق و رفتار اسلامی آشنا می‌کرد. امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «مادرم، فاطمه علیها السلام را دیدم که شب جمعه در محراب خویش به عبادت ایستاده بود و پیوسته در رکوع و سجود بود تا اینکه سپیده صبح بردمید و از او می‌شنیدم که برای مردان و زنان مؤمن دعا می‌کرد و نامشان را بر زبان جاری می‌ساخت و برایشان بسیار دعا می‌کرد، ولی برای خویش هیچ دعا نمی‌کرد. من به او گفتم: ای مادر! چرا همان‌گونه که برای دیگران دعا می‌کنی برای خود دعا نمی‌کنی. فرمود: "یا بنی! الجار ثم الدار؛ ای پسرکم! نخست باید همسایگان را دریافت، آن‌گاه به خانه پرداخت"» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶/۱، ۲۳۶). حضرت زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام نصیحتی را به فرزندش آموخت که از شب تا به صبح به آن عمل کرده بود و چنین پند و اندرز می‌کرد که اثر می‌گذارد و تربیت می‌کند.

دوم) پرورش و تقویت باورهای معنوی

انسان از دو بعد جسم و روح تشکیل شده است. ماهیت جسم و روح چنان درهم تنیده‌اند که نمی‌توان نیازهای جسمی را بدون توجه به نیازهای روحی در نظر گرفت و بالعکس. در تأیید این مطلب به روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام استناد می‌شود که فرمود: «الحسد یضنی الجسد؛ حسد، بدن را رنجور سازد» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۱). کلام امام علیه السلام به رابطه میان جسم و روح اشاره دارد به‌گونه‌ای

که بیماری روحی حسد، بر جسم اثر می‌گذارد و آن را رنجور می‌کند. اگر انسان نسبت به هر کدام از این دو ساحت و نیازهای آنها بی تفاوت باشد نه تنها باعث رشد قسمت مقابل نمی‌شود بلکه سلامت و تعادل آن را نیز برهم می‌خورد؛ زیرا این دو ساحت، تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند (سالاری فرو دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۲). حضرت زهرا (ع) در زندگی شخصی خود جایگاه خاصی برای عبادت قائل بود. در توصیف عبادت ایشان آمده است: «مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَغْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ كَأَنْتِ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمَ؛ در بین امت اسلام، هیچ‌کس عابدتر از فاطمه نبود. او آن قدر برای راز و نیاز و نماز خواندن بر روی پاهایش می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۳/۳۴۱).

همان‌طور که شکل دادن به یک نهال کوچک در حال رشد بسیار آسان و سریع امکان پذیر است، آموزش امور عبادی و عادت دادن به انجام آنها نیز در کودکی بسیار آسان تر است. روح و ذهن کودک مانند زمین خالی است که مهبای رویش است و هر بذری در آن پاشیده شود به ثمر می‌نشیند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «قَلْبُ الْوَلَدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ؛ قلب جوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۷۷). کودکان به واسطه لطافت روح و پاکی ذاتی، مثل زمین زراعی مستعدی هستند که آمادگی پذیرش هر چیزی را دارند. چنین زمینی اگر به موقع بذریاشی شود و مراقبت‌های لازم صورت گیرد بهترین محصول را می‌دهد، اما همین زمین اگر مورد توجه واقع نشود به دلیل آمادگی بالا محل رشد علف‌های هرز می‌شود. بنابراین، لازم است از زمان خردسالی به کودکان آموزش‌های لازم داده شود و قبل از اینکه قلب آنها خواسته یا ناخواسته گرفتار آلودگی‌های دیگر شود به سمت فطرت الهی فراخوانده شود. عبادت، همسو با فطرت و طینت انسان است و به همین علت پذیرش آن نیز برای فرزندان آسان و شیرین خواهد بود. وقتی مادر خانواده برای عبادت، اهتمام و تلاش ویژه‌ای دارد فرزندان شاهد رفتارهای او هستند و به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌گیرند. شاید بتوان گفت اولین گام‌های آموزش معنوی کودکان از اینجا آغاز می‌شود. روان‌شناسان این روش را روش الگوبرداری یا سرمشق‌گیری می‌نامند (سیف، ۱۳۹۰، ص ۳۵۲).

یکی از محورهای اساسی مورد توجه حضرت زهرا علیها السلام بعد پرستش و گرایش فرزندان به انجام تکلیف عبادی و الهی بود. آن حضرت شوق بندگی و خضوع در برابر معبود را از همان دوران کودکی در جان فرزندان خود تقویت می‌کرد و آنها را چنان تربیت کرد که بهترین کارها را عبادت خداوند می‌دانستند و از آن بالاترین لذت‌ها را می‌بردند. آشنایی کودکان با خداوند متعال و چگونگی ارتباط با او و آموزش تکالیف الهی از کودکی، سبب ایجاد پیوند عمیق کودک با پروردگار می‌شود که در بزرگسالی انجام تکالیف سختی نخواهد داشت و گسستن این رابطه در سختی‌ها و ابتلائات زندگی اتفاق نمی‌افتد. ایشان علاوه بر اهتمام شخصی به عبادت که نقش الگویی برای فرزندان‌شان داشت با در نظر گرفتن جوانب تربیتی، اعمال عبادی را به آنها آموزش می‌داد و آنها را برای بندگی خدا مهیا می‌کرد. از بارزترین روایات در این زمینه، روایتی از سیره حضرت زهرا علیها السلام در شب قدر است: «كَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام لَا تَدْعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهَا يَنَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَ تُدَاوِيهِمْ بِقَلِّهِ الطَّعَامِ وَ تَتَأَهَّبُ لَهَا مِنَ النَّهَارِ وَ تَقُولُ مَحْرُومٌ مِنْ حُرْمِ خَيْرِهَا؛ فاطمه علیها السلام رها نمی‌کرد احدی را از خانواده‌اش در این شب که بخوابد و علاج می‌کرد خواب ایشان را به کمی طعام و از روز مهیا می‌کرد آنها را برای احیای آن شب (یعنی امر می‌کرد که روز را خواب و استراحت کنند که شب خوابشان نبرد) و می‌فرمود: «محروم کسی است که از خیر امشب محروم بماند» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۲۸۲/۱).

حضرت زهرا علیها السلام علاوه بر اینکه شب را برای احیا بیدار می‌ماند، فرزندان‌ش را نیز به این کار وامی‌داشت و آنها را متوجه اهمیت این مهم می‌کرد. حضرت در روز، بچه‌ها را می‌خواباند تا استراحت کنند و غذای کمتری به آنها می‌داد تا بدین‌گونه زمینه و موقعیت بهتر و مطلوب‌تری از نظر جسمی و روحی برای شب‌زنده‌داری داشته باشند. او به حدی در این کار جدی و قاطع بود که نمی‌گذاشت احدی از اهل خانه خوابش ببرد و می‌فرمود: «محروم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳/۳۰۴). روش تربیتی حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان یک سنت بسیار پسندیده و قابل اجرا در گفتار امامان معصوم علیهم السلام نیز دیده می‌شود (انصاری، ۱۳۹۳، ص ۴۴). از نظر روان‌شناسی، وقتی در خانه، برنامه‌ای خاص اجرا می‌شود این کار باعث تحریک حس کنجکاوی کودکان می‌شود و

به کسب اطلاعات بیشتر در آن زمینه می‌پردازند. حس کنجکاوی، انگیزه درونی برای یادگیری است که در امر آموزش بسیار مؤثر خواهد بود (ریو، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱)؛ زیرا با برانگیخته شدن حس کنجکاوی، آمادگی دریافت نیز بالا می‌رود. از طرف دیگر فرزندان با مشاهده تلاش و جدیت والدین متوجه می‌شوند که مسئله مهمی باعث توجه والدین شده است و ناخودآگاه در ذهنشان به صورت برجسته باقی می‌ماند. با توجه به سیره حضرت زهرا (ع) برای آموزش عبادی باید اقدامات خاصی انجام داد (موسوی، ۱۳۹۶).

سوم) نام‌گذاری شایسته

یکی از ابتدایی‌ترین مراحل پرورش و اثرگذاری در روح کودک، نام‌گذاری است. نام‌گذاری برای طفل اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اولین چیزی که در فهم لطیف و حساس کودک راه پیدا می‌کند نام و شهرت اوست و اینکه این نام، چه نوع بار فرهنگی و معناداری را حمل می‌کند تأثیر زیادی در روح و روان کودک دارد. بدین جهت یکی از حقوق فرزندان، نام نیکو و پسندیده است: «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ؛ حق فرزند بر پدر این است که نامی نیکو بر او بگذارد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳۷۲/۴). حضرت زهرا (ع) امر نام‌گذاری فرزندان را به حضرت علی (ع) واگذار می‌کرد و ایشان نیز این امر را به حضرت رسول (ص) واگذار می‌کرد چنانچه در روایت آمده است: «آن‌گاه که امام مجتبی (ع) متولد شد حضرت زهرا (ع) به امام علی (ع) فرمود نامی برای ایشان مشخص کند. حضرت فرمود: «من در این امر بر رسول الله (ص) سبقت نمی‌گیرم» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۳۴). یکی از سنت‌های جاری در زندگی صدیقه کبری، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ فرزند بود و دیگری عقیقه (قربانی که در واقع می‌توان آن را بیمه سلامتی شمرد) و صدقه برای نوزاد متولد شده بود (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۱۰/۲۱).

چهارم) صدقه و عقیقه

انسان محصور در دنیای مادی است و از مسائل ماورای ماده بی‌اطلاع. بنابراین، بسیاری از اوقات، دلیل ابتلا به گرفتاری‌ها و بیماری‌ها را نمی‌دانند. خداوند متعال در این باره دستورات راه‌گشایی ارائه

کرده است. عمل به واجبات و در کنار آن، توجه به مستحبات در بسیاری از این امور کارساز است. صدقه دادن و عقیقه کردن برای فرزندان یکی از مستحباتی است که از بسیاری بلاها و اتفاقات ناگوار جلوگیری می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «آن فاطمه (ع) حلقه حسنا و حسینا یوم سابعهما و وزنت شعرهما فتصدق بوزنه فضه؛ فاطمه (ع) در روز هفتم ولادت، موهای سر حسن و حسین (ع) را تراشید و وزن کرد و به همان وزن، نقره صدقه داد» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۱۰/۱۶). این روایت به صدقه روز هفتم اشاره دارد که از مستحبات مؤکد در مورد فرزند است. در مورد صدقه در روایات آمده است که صدقه باعث دفع قضا، بلا، بیماری و ناراحتی می‌شود. «الصدقه تدفع القضا المبرم من السما؛ صدقه قضایی که از آسمان قطعی شده است را دفع کند» (الطبرسی، ۱۴۱۲، ص ۳۷۸). «حصنوا انفسکم بالصدقه؛ جان‌های خود را با صدقه حفظ کنید» (لیثی واعظی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۳).

حضرت زهرا (ع) با دادن صدقه این حفاظ الهی را برای فرزندان خود فراهم می‌کرد؛ زیرا داشتن آرامش خاطر و امنیت، تأثیر مستقیمی بر سلامت روحی افراد دارد، البته صدقه و انفاق‌های حضرت زهرا (ع) بسیار بود مانند بخشیدن گردنبند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۶/۴۳) صرف نظر از افطاری خود و انفاق به یتیم و اسیر و مسکین و موارد بسیاری که در زندگی ایشان قابل مشاهده است. بخشش و گذشت‌های آن حضرت به اندازه‌ای قابل توجه و درخور ستایش است که خداوند آیاتی را به آن اختصاص داده است (ر. ک.، مکارم شیرازی و دیگران، ۳۴۳/۲۵)، اما آنچه در اینجا مورد نظر است، صدقه حضرت زهرا (ع) برای فرزندان است. این کار علاوه بر موارد ذکر شده باعث افزایش محبت بین فرزند و مادر می‌شود و همین امر از نظر روحی باعث آرامش بیشتر برای خانواده خواهد بود. یکی از مستحبات وارده، عقیقه برای فرزند تازه متولد شده است. حضرت زهرا (ع) با توجه به آثار روحی و معنوی عقیقه، خود را مقید به انجام آن می‌دانست و فرزندان خود را از فواید روحانی و الهی آن بهرمند می‌کرد. در روایت آمده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ (ع) عَقَّتْ عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (ع)؛ فاطمه (ع) برای حسن و حسین (ع) عقیقه کردند» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۴۶/۲). اهتمام و توجه ویژه حضرت زهرا (ع) به این امر زمانی بیشتر آشکار می‌شود که با وجود آنکه پیامبر اکرم (ص) برای امام حسن و امام حسین (ع) عقیقه کرده بود، ولی حضرت زهرا (ع) خود نیز به این کار مبادرت ورزید. امام صادق (ع)

در این مورد می‌فرماید: «عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْحَسَنِ بِدِهِ؛ پیامبر برای امام حسن (ع) با دست خودش عقیقه کرد» (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/۴۳۰).

شیخ حرعاملی در کتاب *وسایل الشیعه* با استناد به این موارد، جواز تعدد عقیقه بر یک کودک را استنباط کرده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/۴۴۸) عقیقه کردن شاید امری غیرضروری به نظر برسد، اما با توجه به تأکید روایات استفاده می‌شود که در فرهنگ اسلامی، عقیقه اهمیت زیادی دارد و آثار و برکات زیادی را به دنبال دارد. امام صادق (ع) درباره اهمیت عقیقه می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ مُزَنَّهُنَّ بِالْعَقِيقَةِ؛ هر مولودی در گرو عقیقه خود است» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳/۴۸۴). با توجه به مضمون روایات باید گفت که قربانی و عقیقه فقط برای نوزاد نیست؛ یعنی اگر کسی در کودکی برایش عقیقه نکرده باشند همچنان سلامتی او در گرو قربانی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَذْرِي كَانَ أَبِي عَقَّ عَنِّي أَمْ لَا قَالَ فَأَمَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فَعَقَقْتُ عَنْ نَفْسِي وَأَنَا شَيْخٌ؛ نمی‌دانم پدرم برایم عقیقه کرده است یا نه. امام (ع) فرمود: برای خود عقیقه کن. من نیز چنین کردم درحالی که کهنسال بودم» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶/۲۵). تأکید امام (ع) بر انجام عقیقه حتی در سنین پیری بیانگر اهمیت آن است. گویا این امر بردوش انسان باقی است و تا انجام نشود سنگینی آن برداشته نمی‌شود. دعاها و دعاهایی که برای عقیقه ذکر شده است اهمیت آن را در مورد مسائل غیر مادی بیشتر نشان می‌دهد: «اللَّهُمَّ عَقِيقَةً عَنْ فُلَانٍ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ وَقَاءَ لَالٍ مُحَمَّدٍ ﷺ؛ خدایا عقیقه است از فلان گوشتش در برابر گوشت او، خونس در برابر خون او، استخوانش در برابر استخوان او. خدایا قرار بده این قربانی را مایه حفظ آل محمد ﷺ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶/۳۰).

پنجم) بوسیدن کودکان

همه انسان‌ها نیازمند و تشنه محبت اطرافیان خود هستند و اگر محبت و عاطفه را دریافت نکنند آن را در جای دیگر جست‌وجو می‌کنند. یکی از روش‌های سالم و ساده محبت کردن و ابراز عواطف و احساسات، بوسیدن است. این روش به هیچ بودجه مالی نیاز ندارد و برای همه مقدور است. یکی از سنت‌های زیبای رسول خدا ﷺ بوسه‌های مکرر ایشان بردست، بازو و سینه حضرت زهرا (ع) بوده

است که مظهر ابراز ارادت و تبادل محبت و عواطف و از جمله نشانه بزرگواری و کرامت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. با دقت در سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام می‌توان دریافت که ایشان نیز از این روش در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کرد. بوسه‌های مکرر حضرت فاطمه علیها السلام بر فرزندان خود و بوسه‌های بی‌شمار پیامبر صلی الله علیه و آله بر فرزندان فاطمه علیها السلام و تأکید قولی و علمی بر این امر، بیانگر لزوم ابراز عواطف و ایجاد ارتباط عاطفی با فرزندان با بوسیدن و بوئیدن است.

ششم) عدالت بین فرزندان

دقت در داوری بین فرزندان و برقراری عدالت و تلاش برای تفهیم مساوی بودن محبت پدر و مادر نسبت به آنها مسئله مهمی است که حضرت زهرا علیها السلام در تربیت فرزندان خود به آن اهتمام ویژه داشت. «روزی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در یک مسابقه خطاطی رقابت کردند. امام حسن علیه السلام گفت: خط من بهتر است و امام حسین علیه السلام گفت: آنچه من نوشتم زیباتر است. سرانجام هر دو برای داوری مسابقه خدمت مادرشان رسیدند. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نمی‌خواست بچه‌ها آزرده شوند. به همین دلیل فرمود: به پدرتان مراجعه کنید تا قضاوت کند. حضرت علی علیه السلام نیز آنها را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و داوری را برعهده آن حضرت نهاد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز داوری را به جبرئیل سپرد. او نیز به اسرافیل حواله داد تا اینکه اسرافیل از جانب خدا قضاوت در این مورد را به خود حضرت فاطمه علیها السلام سپرد. حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: خدایا چگونه میان این دو قضاوت کنم. به الهام حضرت باری تعالی، صدیقه کبری علیها السلام گردنبد خود را پاره کرده، دانه‌های آن را که زوج نبود بر زمین ریخت و سپس فرمود: هرکه بیشترین دانه‌ها را جمع کرد از جانب من برنده خواهد بود. در این صورت باید یکی در این مسابقه پیروز می‌شد، اما جبرئیل یکی از این دانه‌ها را به دو نیم تقسیم کرد تا هر دو به‌طور مساوی دانه بردارند. بدین ترتیب این مسابقه دو برنده داشت و هر دو در این رقابت پیروز شدند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۳/۳۰۹).

هفتم) ادب و احترام به فرزند

شخصیت انسان‌ها در کودکی و به دست والدین ساخته می‌شود. البته عوامل دیگر نیز بی‌تأثیر نیستند. شخصیت هرکس به اندازه اثر وجودی آن فرد است. هرچه تأثیر وجودی انسان در جامعه، تاریخ و نسل‌ها بیشتر باشد به همان نسبت نیز ارزش و افتخار بیشتری نصیب وی می‌شود. بعضی از افراد شخصیت مثبت دارند؛ یعنی از توانایی‌های بالفعل و بالقوه خود در جهت مصالح جامعه و افراد نزدیک به خود استفاده می‌کنند. برخی دیگر شخصیت منفی دارند؛ یعنی نیرو و استعداد آنها مانند سم مهلکی است که به پیکره اجتماع وارد می‌شود. نباید فراموش کرد که شکل اصلی و اولی این دو نوع شخصیت و منش از همان دوران کودکی ساخته می‌شود. از طرف دیگر، آثار وجودی هر شخصی از نقطه‌ای شروع می‌شود که به طور صد درصد تأثیر اطرافیان به ویژه پدر و مادر قرار داشته است. در تعلیم دینی آمده است که آنچه کودک در طفولیت می‌آموزد تا پایان عمر او را همراهی می‌کند.

سخن گفتن محبت‌آمیز و مؤدبانه، نقش مؤثری در شخصیت و بزرگی روح کودک دارد. باید صفات خوب کودک را یادآوری کرد و او را در حضور خودش و دیگران تعریف و توصیف کرد و بزرگی نفس را به او تلقین کرد. حضرت رسول ﷺ بارها می‌فرمود: «حسن و حسین علیهما السلام بهترین جوانان اهل بهشتند و پدرشان از آنان بهتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰/۳۵۳). سلام را به صورت صحیح ادا کردن و پاسخ کامل آن را کامل گفتن از آداب اسلام است. رفتار مؤدبانه پدر و مادر با یکدیگر و رعایت ادب، بهترین آموزش برای فرزندان است. چگونگی صحبت کردن حسنین علیهما السلام با مادر و و پاسخ حضرت زهرا علیها السلام و نحوه مکالمه آن حضرت با همسرش و احترام‌گذاشتن به بزرگ‌تر و کسب اجازه از حدیث شریف کسا آشکار است که می‌فرماید: «وَإِذَا بُولِدَى الْحَسَنِ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمًّا فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُورَهَ عَيْنِي وَنَمَرَهَ فُؤَادِي ... فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدًّا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنِي لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا صَاحِبَ حَوْضِي قَدْ أَذْنْتُ لَكَ فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ ناگاه فرزندم حسن وارد شد و گفت: ای مادر سلام بر شما. گفتم:

سلام بر تو ای روشنی چشم من و میوه دل من. حسن به طرف عبا روی آورد و گفت: سلام بر شما ای جد بزرگوار ای رسول خدا. آیا به من اجازه می‌دهید که با شما زیر عبا قرار بگیرم؟ (رسول الله) فرمود: سلام بر تو ای فرزندم و ای صاحب حوض من به تحقیق اجازه دادم. سپس ابوالحسن علی بن ابی طالب وارد شد و گفت سلام بر تو ای دختر رسول خدا و گفتم بر شما سلام باد ای ابوالحسن ای امیرالمؤمنین».

ادب و احترام در گفتار خانواده حضرت فاطمه (علیها السلام) نمایان است. استفاده از کلمات محبت آمیز و مؤدبانه سبب محبت و صفای بیشتر خانوادگی می‌شود. حسنین از جد بزرگوارشان اجازه ورود گرفتند. ایشان این گونه احترام و ادب را از گفتار و رفتار مادر و پدر خود آموختند. حتی در گفتار نسبت به یکدیگر نیز ادب و احترام را رعایت می‌کردند. (زارع، ۱۳۹۲، ص ۷۰) امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «مَا تَكَلَّمَ الْحُسَيْنُ بَيْنَ يَدَيِ الْحَسَنِ إِعْظَامًا لَهُ؛ امام حسین (علیه السلام) جز با احترام نزد امام حسن (علیه السلام) صحبت نمی‌کرد» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۶، ۴۰۱/۳).

هشتم) بازی با کودکان

یکی از اساسی ترین نیازهای کودکان، نیاز به بازی و سرگرمی است. کودکان در بازی های خود دنیای بزرگسالی را تجربه کرده و خود را برای ورود به آن آماده می‌کنند. مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد که بازی کودکان با یکدیگر به آنها کمک می‌کند تا نحوه همکاری با سایر کودکان را فراگیرند و از دیدگاه خود محورانه خویش فراتر روند. (ر. ک.، هیوز، ۱۳۸۷، ص ۳۲۴) در واقع آنها در بازی های خود زندگی می‌کنند و زندگی شان در بازی هایشان رقم می‌خورد. روان شناسان معتقدند که بازی اجتماعی (بازی کودک با فرد دیگر) به طور کلی و در بسیاری از حیطه های خاص اجتماعی شدن، سودمند است. تمرکز بر قواعد بازی، آنها را آگاه می‌کند که همه تعامل های اجتماعی پیرو قواعد معینی هستند. (ر. ک.، هیوز، ۱۳۸۷، ص ۲۹۹) از این رو نباید از بازی فرزند غافل بود و حتی باید با آنها هم بازی شد و به بازی های آنها نیز سمت و سو بخشید تا استفاده صحیحی از آن ببرند. حضرت زهرا (علیها السلام) به این نکته توجه داشت و با کودکان خود بازی می‌کرد و وارد دنیای کودکان می‌شد. در روایتی آمده است که در

بازی با فرزند خود امام حسین (علیه السلام) می خواند: «أَنْتَ شَبِيهٌ بَابِي لَسْتُ شَبِيهًا لِّعَلَى؛ تو بیش از پدرت علی به پدرم [رسول الله] شباهت داری» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ۳/۳۸۹).

از این سیره حضرت می توان دریافت که مفاهیم دینی و اخلاقی را باید با زبانی کودکانه و در شرایط دلپذیر به کودکان آموخت تا مؤثر واقع شود و ماندگاری آن نیز بیشتر باشد. القای این مفاهیم از سوی مادر، زمانی تأثیر دوچندان دارد که کودک در حین بازی این مفاهیم را دریافت کند البته نباید از تأثیرگذاری شعر نیز غافل بود. وقتی مطالبی دقیق با زبانی شیرین و در هنگام بازی و از طریق مهربان ترین و مهمترین فرد زندگی کودک یعنی، مادر به او القا می شود شرایط مناسبی برای آموزش فراهم می کند که پذیرش از سوی کودک را بالا می برد. با استفاده از این سیره می توان علاوه بر شرکت در بازی کودکان و همراهی با آنها از فرصت های آموزشی که در هنگام بازی به وجود می آید به خوبی استفاده کرد و علاوه بر نظارت می توان از خشونت هنگام بازی یا رفتارهای نابهنجار جلوگیری کرد (موسوی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳-۱۲۲).

نهم) توجه به پاکیزگی و نظافت

یکی از امور مهم در تربیت فرزندان توجه دادن آنها به تمیزی و زیبایی هاست. زیبادوستی و زیباخواهی یکی از ویژگی های انسان است. زیبایی هایی که انسان مشاهده می کند، حس زیباشناسی او را اشباع می کند. (جعفری، بی تا، ص ۱۶۲-۱۷۰) پرورش این حس باعث می شود که روح کودکان نسبت به دنیا و موجودات پیرامون خود حساس باشد و با نوعی دقت نظر به اطراف خود بنگرند و نسبت به زشتی ها منفعل باشند و خود نیز از آنها دوری کنند و به دنبال تغییر باشند. در نتیجه از زیبایی های محسوس به سمت زیبایی های معنوی و الهی حرکت کنند. از روش هایی که می توان با آن حس زیباشناسی را تقویت کرد دوری از زشتی ها و پلیدی هاست. بدون دوری از زشتی ها و پلیدی ها نمی توان به زیبایی رسید (جعفری، بی تا، ص ۲۰۲). سرآغاز این امر از خانه و خانواده شروع می شود. به این معنا که مادر در خانه به نظافت و تمیزی اهمیت داده و آن را برای کودکان با ارزش جلوه دهد. در این حالت فرزندان نیز در مقابل خود زیبایی را مشاهده می کنند و با آن خومی گیرند و از پلیدی منجر می شوند. حضرت

زهره علیها السلام در زندگی و خانه خود به این امور توجه داشت و خودش آنها را انجام می‌داد. حضرت علی علیه السلام در این زمینه درباره حضرت فاطمه علیها السلام می‌فرماید: «... كَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابَهُ؛ به قدری خانه را جارو می‌کرد که گرد و خاک، لباس هایش را غبارآلود می‌کرد» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۲/۳۶۷). اقدام دیگری که در این زمینه در زندگی حضرت زهره علیها السلام مشاهده می‌شود توجه به زینت فرزندان است که به نوعی آنها را به سمت زیبایی هدایت می‌کند: «أَنَّ فَاطِمَةَ حَلَّتِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ؛ فاطمه علیها السلام حسن و حسین علیهما السلام را می‌آراست» (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ۴/۹۶).

دهم) توجه به تغذیه کودکان

یکی از مهمترین امور مادی فرزندان، توجه و رسیدگی به تغذیه آنهاست. برای نیل به سلامت و سعادت کودکان لازم است نیازهای جسمی و روحی فرزند همزمان و متناسب پاسخ داده شود. وقتی مادر با مهربانی به فرزند خود غذا می‌دهد در ظاهر به نیاز جسمی کودک پاسخ می‌دهد، اما در واقع روح او نیز از محبت مادر سیراب می‌شود. تغذیه از بدو تولد کودک اهمیت دارد. بنابراین، خداوند کامل‌ترین غذا برای کودکان را در شیر مادر قرار داده است. حضرت زهره علیها السلام فرزندان خود را از این نعمت الهی بهرمند می‌کرد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى فَاطِمَةَ وَعَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ ثَلَاثَةِ الْإِبِلِ وَهِيَ تَطْلَحُ بَيْدَهَا وَتُزْضِعُ وَلَدَهُ؛ پیغمبر وارد خانه فاطمه علیها السلام شد، ایشان جامه‌ای از موی شتر به تن داشت و جو آسیاب می‌کرد و بچه را نیز شیر می‌داد» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۷).

این روایت بیانگر آن است که حضرت زهره علیها السلام علاوه بر کارهای سنگین خانه از مهمترین مسئولیت مادری یعنی، شیردادن فرزند غفلت نمی‌کرد. ایشان با عشق مادرانه به غذا و خوراک فرزندان خود توجه داشت. آسیاب کردن گندم و جو برای تهیه غذا نشان از این دارد که ایشان برای خانواده و فرزندان مقدمات تهیه غذا را فراهم می‌کرد. توجه به تغذیه و تهیه غذای کودکان از سوی مادر، نتایج مفیدی به دنبال دارد. اولین و مهمترین نکته این است که مادر با درایت، متناسب با نیاز فرزند، غذا تهیه می‌کند و از طرفی از مواد اولیه سالم و مورد اطمینان استفاده می‌کند. بنابراین، سلامت بیشتری

برای فرزندان حاصل می‌شود. نکته دیگر اینکه انرژی مثبتی که مادر هنگام طبخ به غذا منتقل می‌کند به فرزند و سایر اعضای خانواده منتقل می‌شود و همین امر، شادابی و نشاط را به آنها منتقل می‌کند. ممکن است این تصور ایجاد شود که حضرت زهرا (علیها السلام) با داشتن جایگاه معنوی خاص اگر به عبادت می‌پرداخت، مناسب‌تر بود، ولی رفتار ایشان نشان از اهمیت توجه مادر به کودک دارد و این امر باید به عنوان الگویی در زندگی و زیست بانوان و مادران این سرزمین قرار گیرد. زندگی سرور زنان عالم بیانگر آن است که برای تربیت و رسیدگی به فرزند، هیچ چیز حتی واجبات نباید مانع باشد؛ زیرا می‌توان بین واجبات و تربیت فرزند، جمع کرد و هر دو را انجام داد؛ یعنی هیچ یک نباید فدای دیگری شود؛ زیرا هردو از وظایف مهم مادر است. از این نکته نیز نباید غافل شد که هیچ کاری مانع رسیدگی به فرزند نیست و خداوندی که تربیت فرزند را وظیفه مادر قرار داده است سایر واجبات را هم وضع کرده است و بدون تردید این دو را به گونه‌ای طراحی کرده است که با هم در تعارض نباشند. امام صادق (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: «إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَانَتْ تَمْضَغُ لِلْحَسَنِ ثُمَّ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ هِيَ صَائِمَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فاطمه (علیها السلام) غذا می‌جوید برای حسن (علیه السلام)، سپس برای حسین (علیه السلام) در حالی که در ماه رمضان روزه بود» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۱۴/۴). این روایت بیانگر این نکته است که حضرت در حال عبادت و روزه‌داری نیز از توجه به فرزندان غافل نمی‌شد و در حین عبادت، به وظیفه مادری خود و برآورده کردن نیازهای آنها می‌پرداخت. بنابراین، مادران باید در رفتار خود بازنگری داشته باشند و به دنبال راهی باشند که هم به وظیفه مادری خود عمل کنند و هم بتوانند به سایر علائق و برنامه‌های خود بپردازند (موسوی، ۱۳۹۶).

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هر انسانی در مسیر زندگی و پیشرفت نیاز به الگو دارد. الگوها گاهی مثبت و گاهی به دلیل عدم شناخت، منفی هستند. کسانی که الگوهای معنوی را انتخاب می‌کنند زندگی آنها در مسیر اهداف معنوی و دینی که به سعادت ختم می‌شود، پیش می‌رود، اما کسانی که الگوهای شیطانی را انتخاب می‌کنند زندگی آنها در مسیر اهداف شیطانی پیش می‌رود. الگوهای دینی

یعنی، انتخاب مسیر الهی، اطاعت از فرمان‌های الهی و الگوگیری از روش زندگی معصومین علیهم‌السلام. الگوهای شیطانی یعنی، انحراف از مسیر الهی، پشت کردن به روش زندگی معصومین علیهم‌السلام، انتخاب مسیر شیطان و گرفتار شدن در دام‌ها و وسوسه‌های شیطانی که شاید به ظاهر زیبا و جذاب باشد، ولی در حقیقت زندگی دنیا و آخرت انسان را تباه می‌کند. برای مثال مادری که سبک زندگی غربی را به عنوان الگو در تربیت فرزند خود انتخاب می‌کند و خوشبختی و پیشرفت را در این مسیر می‌بیند، آینده فرزندان خود را این‌گونه تباه می‌کند، اما خانواده و مادری که خواهان خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت فرزندان است مسیر الهی را انتخاب می‌کند و روش و سبک معصومین علیهم‌السلام را در تربیت فرزندان به عنوان الگو می‌پذیرد.

فهرست منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۹۲). فلسفه تربیت. تهران: دانشگاه پیام نور.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). النهایه فی غریب الحدیث والآخر. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الامالی. تهران: کتابچی.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتاب فروشی داوری.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵). دعائم الاسلام. قم: مؤسسه آل البيت.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول. قم: جامعه مدرسین.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام. قم: نشر علامه.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۱۱. احمد بن حنبل، ابوعبدالله (۱۴۱۶). مسند. قاهره: دار الحدیث.
۱۲. انصاری، عذرا (۱۳۹۳). جلوه‌های رفتاری حضرت زهرا علیها‌السلام. قم: بوستان کتاب.
۱۳. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی الفبایی عربی، فارسی، اسلامی (ترجمه کامل المنجد/الابجدی). مترجم: مهیار، رضا. تهران: نشر اسلامی.
۱۴. جعفری، محمد تقی (بی تا). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. بی جا: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۶. حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۵). سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دار القلم.

۱۸. ربو، جان مارشال (۱۳۸۰)، *انگیزش و هیجان*. مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: نشر ویرایش.
۱۹. زارعی، مجید، و کاردوانی، راحله (۱۳۹۲). *بررسی تطبیقی روش های تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) در فرزندپروری با روش های تربیتی عصر مدرن*. نشریه معرفت، ۱۹۲ (۲۲)، ۶۱-۷۲.
۲۰. سالاری فر، محمد، و دیگران (۱۳۹۰). *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۱. سیف، علی اکبر (۱۳۹۰). *تغییر رفتار و رفتار درمانی، نظریه ها و روش ها*. تهران: دوران.
۲۲. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۷). *روان شناسی رشد*. تهران: اطلاعات.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). *مکارم الاخلاق*. قم: الشریف الرضی.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷). *تهذیب الاحکام*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. عمید، حسین (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). *العین*. قم: اسوه.
۲۸. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. کاردان، علی محمد، و دیگران (۱۳۸۰). *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: سمت.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۱. لیثی واعظی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم*. قم: دار الحدیث.
۳۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۴. مطهری، مرتضی (بی تا). *مجموعه آثار*. قم: صدرا.
۳۵. معین، محمد (۱۳۷۹). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. موسوی، سیده زهرا (۱۳۹۶). *سیره حضرت زهرا (علیها السلام) در تربیت فرزند*. نشریه نامه جامعه، ۱۲۱ (۱۴)، ۱۰۳-۱۲۲.
۳۸. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۳۹. هیوز، فرگاس پیتر (۱۳۸۷). *روان شناسی بازی (کودکان، بازی و رشد)*. مترجم: گنجی، کامران. بی جا: رشد.

